

شعر بی تاب دریا

نیره سادات هاشمی



نام کتاب: از ابتدای غنچه تا انتهای یک گل
 نویسنده: داود لطف‌الله
 نشر: سوره مهر
 شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
 نوبت چاپ: نخست ۱۳۸۹

این مجموعه در بردارنده‌ی ۱۳ اثر در قالب چهارپاره و یک نیمایی برای مخاطب نوجوان است. موضوع بیشتر آثار تازه است. شاعر به موضوع‌هایی پرداخته که در شعر نوجوان کمتر به آن توجه شده است. مثل: فضای کوچه در شب، قایق تنها که در آرزوی دریاست، خانه‌ی کلنگی (شعر یادگاری). شاعر در بعضی از این آثار نگاه کاملاً متفاوتی دارد. نگاه او در این مجموعه یک نگاه شاعرانه و در عین حال واقع‌گراست. او جهان پیرامونش را آن‌طور که هست می‌بیند، نه آن‌طور که دلش می‌خواهد. مثلاً در شعر سهم (ص ۲۰) تعریضی زیبا به عدم رعایت حق زیستن ماهی‌ها از سوی مردم دارد.

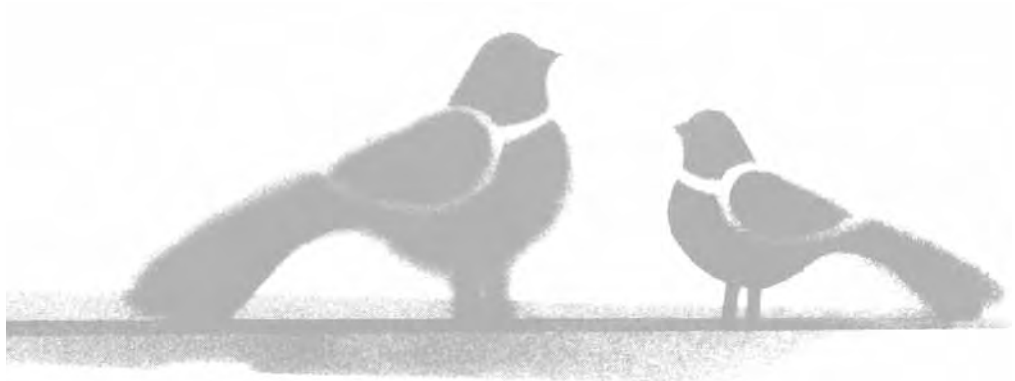
همان‌طور که شاعر در این شعر می‌گوید:
 «سیب و آجیل و انار
 همه آن‌جا بودند
 همگی مهمان
 شب یلدا بودند
 جای خالی کسی
 بین شان پیدا بود
 باز هم برف امسال
 غایب یلدا بود»

نشانه‌ها (موتیف)های مشترک

در شعرهای این کتاب، واژه‌ها و ترکیب‌هایی وجود دارند که از بسامد بالایی برخوردارند. البته وقتی این موارد از واژه به ترکیب و نشانه‌های تصویری می‌رسد، موجب گستردگی مضمون اثر می‌شود. بسامد بالای این کلمات و ترکیبات، نشانه‌هایی هستند که ذهنیت سراینده را در هر اثر و به‌طور کلی مجموعه‌ی آثار کتاب، شکل می‌دهند. در چنین وضعیتی واژه‌ها نقشی بیشتر از تکمیل کلام دارند. چون تبدیل به نشانه‌هایی می‌شوند که می‌توان با

«تنگ ماهی کوچک
 تنگ ماهی تنگ است
 ...
 قطره قطره، در آب
 اشک او گم شده است
 خودش این‌جا، دریا
 سهم مردم شده است.»

یا در شعر مهمانی، بلدایی که او در این شعر آن را توصیف می‌کند با حال و هوای یلداهای امروزی کاملاً متناسب است.



■ دریا و ساحل:

«دریا دوباره آمدم
با یک نگاه ساحلی»
(یک قطره دل - ص ۱۱)
«دریا مرا با خود ببر
تا دور از این ساحل شوم
این قطره دل را بگیر
تا با تو دریا دل شوم»
(یک قطره دل - ص ۱۱)
«این سو منم ساحل نشین
آن سو تویی پُر موج و چین»
(یک قطره دل - ص ۱۲)
«قایقی تنهایم
در کنار ساحل
دل من در دریاست...»
(آرزو - ص ۱۳)
«خنهدار است ولی
آرزویم دریاست»
(آرزو - ص ۱۳)
«خودش این جا
دریاسهم مردم شده است»
(سهم - ص ۲۱)
«جزیره، چون پرنده
حصارش، آب دریاست»
(تنهایی - ص ۲۴)
«نگاهش شعر رفتن
تنش در قعر دریاست»
(تنهایی - ص ۲۵)
«اشک از دو چشمت می چکید
از گونفات دریاگذشت»
(سفر - ص ۳۲)
«به روی ماسه‌های ساحل خیس
به روی موج دریا می نویسم»
(خطا - ص ۳۴)

تأمل در آن‌ها به سبک و دیدگاه صاحب اثر پی برد. از سوی دیگر «موتیف در ساختارهای کلامی می‌تواند در تقویت سوییته درونی کلام، نقش مهمی داشته باشد و به مثابه یک نقش مایه به خدمت زبان شعر درآید این موتیف تا وقتی که تک‌معنایی است، فقط یک نشانه است. اما وقتی که با غنی شدن بار معنایی، به ژرفابخشی محور معنایی شعر کمک می‌کند و در محور جانشینی کلام جانشین معناها یا مفاهیم دیگر می‌شود، یک موتیف نمادین شده است و در بحث سمبل یا نماد قابل اهمیت است. به عبارت دیگر، در این مواقع، نه فقط در خدمت «سویته‌های پرونی» بلکه در خدمت «سویته‌های درونی» کلام قرار می‌گیرد.»^۲
از جمله‌ی این کلمات و ترکیب‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

■ پنجره:

سراینده‌ی این کتاب از کنار پنجره به بسیاری از مضمون‌های مد نظرش می‌نگرد و گاه از آن با لفظ شیشه یاد می‌کند:

«لحظه‌ها، غرق سکوت
من کنار پنجره»
(خیال - ص ۱۵)
«یک پنجره پُر از خاک
با دست‌های بسته»
(یادگاری - ص ۱۷)
«پشت شیشه ابر سرد
گرم باران سازی است»
(بازی - ص ۲۷)
«یک پرنده می کشم
بر غبار پنجره»
(بازی - ص ۲۸)
«می‌رود از پنجره
می‌پرد تا آسمان»
(بازی - ص ۲۸)

■ پرنده:

«امروز خانه پیر
خالی‌ست از هیاهو
خالی‌ست از پرنده
حتی صدای جارو»
(یادگاری - ص ۱۸)
«جزیره، چون پرنده
حصارش، آب دریا»
(تنهایی - ص ۲۴)
«یک پرنده می‌کشم
بر غبار پنجره»
(بازی - ص ۲۸)

■ پر زدن:

«به سوی ابرهای پُر غروب می‌پرند»
(عروسی - ص ۸)
«می‌رود از پنجره
می‌پرد تا آسمان»
و
«می‌شود با باد دوست
می‌پرد تا ابرها»
(بازی - ص ۲۸)

■ ترکیب «دست و پاهای گلی»:

«با چشم‌های خیس شوق
با دست و پاهای گلی»
(یک قطره... - ص ۱۱)
«دل من در دریاست
دست و پایم در گل»
(آرزو - ص ۱۳)

وجود این نشانه‌ها می‌توانند نمادی از آرزوی رسیدن به عدم تعلق، رهایی، آرامش و تکرار سادگی‌های کودکانه باشند. به این کلمات می‌توان واژه‌های دیگری چون: دل، مژ - تنها و خالی را نیز افزود که در شعرهای این دفتر، فراوانند.

نوآوری در مضمون:

به نظر می‌رسد ادبیات کودک و نوجوان برای رسیدن ساختار، مضمون و موضوع تازه و رهایی از کلیشه‌هایی که هم‌اکنون درگیر آن شده است به شدت نیاز به نگاه متفاوت دارد.

شعر امروز کودک و نوجوان نیاز به آشنایی‌زدایی در انتخاب واژه‌ها و ترکیباتی دارد که سال‌هاست درگیر آن‌هاست. شاید یکی از راه‌های آن، نگاه به موضوعات تازه باشد. شاید این گروه سنی آن‌قدر که به برخی موضوع‌ها مثل نوستالژ:

بازگشت به روستا و نشانه‌های طبیعت (مثل باران و خورشید چشمه و پاییز و بهار و...) پرداخته‌اند، از توجه به فضاهای دیگری که دغدغه‌ی زندگی عادی کودکان و نوجوانان است، غافل بوده‌اند. البته در سال‌های اخیر حرکت‌های تازه‌ای دیده شده است. در این باره می‌توان از توجه به موضوع‌های عاشقانه و نگرش‌های متفاوت به طبیعت در آثار شاعرانی چون مصطفی رحماندوست و ناصر کشاورز، و استفاده از قالب‌های نو در شعر کودک و نوجوان، در آثار کسانی چون افسانه شعبان‌نژاد و علی‌اصغر سیدآبادی اشاره کرد.
داوود لطفان... نیز از جمله شاعرانی است که سعی دارد نگاه‌های متفاوتی را در موضوع و مضمون آثارش تجربه کند. در شعرهای این کتاب می‌توان نمونه‌هایی از آن را دید. در آثاری مثل:

- شب کوچه (ص ۵):

شب کوچه موضوعی است که کمتر در شعر - خصوصاً آثار کودک و نوجوان - به آن پرداخته شده است. تصاویر زیبایی می‌توان در این شعر یافت. مثل:
«قلب او خالی است از قدم‌ها
از هیاهو و فریاد و خنده
از نفس‌های تند دویدن
توپ‌بازی و جیغ برنده»
- آرزو (ص ۱۳):
سوژه شعر قایقی فرسوده است که با پشت سر گذاشتن سال‌های جوانی، حالا در آرزوی رفتن به دریا است:

«قایقی تنه‌ایم

در کنار ساحل

دل من در دریاست

دست و پایم در گل...

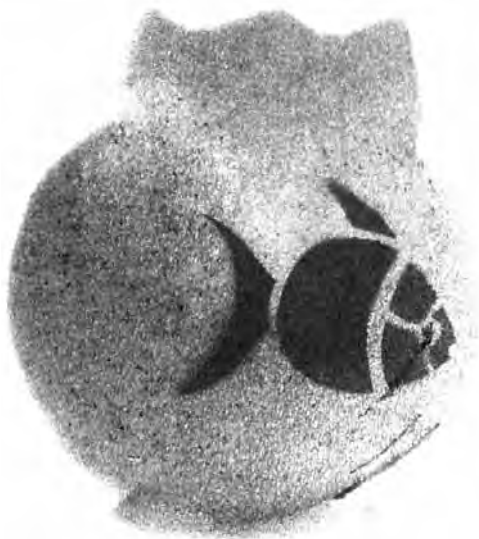
...گرچه او هر لحظه

روبه‌رویم پیدااست

خنده‌دار است، ولی

آرزویم دریاست!»

یا تصویرهایی که از آسمان و شب برفی در شعر خیال



(ص ۱۵) ارائه می‌دهد:

«در خیالم آسمان
بر سر این کوچه‌ها
باز قیچی می‌کند
ابره‌های خیس را

...

... در خیالم کوچه‌ها
از سر شب تا هنوز
پاک سرما خورده‌اند
توی این سرما و سوز»

همین‌طور در شعر یادگاری (ص ۱۷):

«یک خانه‌ی کلنگی است

در قاب چشم‌هایم

یک بند رخت بی‌رخت

افتاده زیر پایم

یک پنجره، پُر از خاک

با دست‌های بسته

یک در، شکسته و پیر

با چارچوب خسته...»

مثال‌های زیر اشاره کرد:

«او به من خیره، من خیره در او» (کوچه- ص ۶)

این سو منم یک قطره دل

آن سو تویی

آبی‌ترین

این سو منم، ساحل‌نشین

آن سو تویی

پُرموج و چین (ص ۱۲)

تصویرهای زیبا:

«کوچه وقتی که پُر می‌زند روز

منتظر توی فکر غروب است» (ص ۶)

یا این تصویر:

«مثل شمعی آرام

در خودش می‌سوزد

اشک را بر گونه

بی‌صدا می‌دود»

... و در همین شعر:

«غصه را با بوسه

از دلش می‌گیرم» (ص ۱۰)

اگرچه چندان نو نیست؛ اما زیباست. همین‌طور تصویر زیبا

و ملموسی که از پنجره‌ی یک خانه‌ی قدیمی و کلنگی ارائه

می‌کند:

«یک پنجره پُر از خاک

با دست‌های بسته» (ص ۱۷)

و موارد دیگری از این کتاب مثل:

«از ابتدای غنچه

تا انتهای یک گل

دنبال عشق بودم

در شعرهای بلبل»

زیبایی‌های زبانی:

وجود برخی ترکیب‌های زیبا از جمله اتفاق‌های زبانی در

این مجموعه هستند. مثل: «ابره‌های پُرغروب» این ترکیب به

درستی تداعی‌کننده سرخی خاص ابرها در هنگام غروب است.

هم‌چنین از این دست‌اند: «نفس‌های تند دویدن» (شعر شب

کوچه) و «نگاه ساحلی» (شعر یک قطره دل)

یا استفاده از فعل «باران ساختن» برای ابر به جای «باران

باریدن» در این بیت بسیار زیباتر و امروزی‌تر است:

«پشت شیشه ابر سرد

گرم باران سازی است» (ص ۲۷)

البته شاعر در این مجموعه باز هم از ترکیبات رایج در

زندگی امروز استفاده می‌کند. مثل: «خانه‌ی کلنگی» و «بساز

به‌فروش» در شعر «یادگاری».

تکرارهای زیبا:

بسامد تکرار واژه بیشتر از تکرار مصرع‌ها در این کتاب

است. از نمونه‌های آن است:

«یک بند رخت بی‌رخت» (ص ۱۷)

«از روزهای دیروز

از روزهای رفته» (ص ۱۹)

در شعر سه‌م، تکرار تُنگ ماهی در بیت نخست- ضمن

در نظر گرفتن زیبایی جناس موجود در مصرع دوم- شباهت و

نزدیکی دو واژه‌ی «تُنگ» و «تُنْگ» بازتاب تصویر مد نظر شاعر

را بیشتر می‌کند.

از موارد دیگر تکرار در شعرهای این مجموعه می‌توان به



است. اما وقتی به شیشه بازمی‌گردد، تداعی‌کننده عدم و نیستی است. همین‌طور ترکیب «ماهی غم» ترکیبی کلیشه‌ای و ناقص است.

«توی حوض چشمش

چند تا ماهی غم

دور هم می‌چرخند

تک و تنها با هم»

کاملاً مشخص است که در تنگنای موسیقی واژه‌ی غمگین به غم تغییر یافته است. ضمن این که تشبیه چشم مادر به «حوض» اصلاً تشبیه زیبایی نیست.

در همین شعر، به بیتی می‌رسیم که در آن از واژه‌ی «دلگیر» برای اشاره به مضمون رنجیدگی استفاده شده است:

«می‌روم پهلویش

از غمش دلگیرم...»

اگرچه معنای لغوی دلگیر به تنهایی اشاره به گرفتگی دل دارد؛ اما وقتی این واژه در تکمیل جمله‌ای می‌آید برداشت رایج از آن «رنجیدگی و دلخوری» است. در صورتی که شاعر در این بیت می‌خواهد به ناراحتی و غم خود به خاطر غم مادر اشاره کند.

ضعف تألیف:

در بسیاری از مجموعه‌های شعر - خصوصاً آثار کلاسیک به دلیل تنگنای رعایت موسیقی - از این دست ضعیف‌تالیف‌ها دیده می‌شود. ولی غالباً ضعیف‌های تألیفی بیشتر به دلیل کم‌توجهی‌های شاعر شکل می‌گیرند. از این دست هستند نمونه‌های زیر در این مجموعه:

در این قسمت از شعر «یادگاری»:

«تا یک بساز به‌فروش

یک بار دیگر از سر

یک خانه را بسازد

با سنگ‌های مرمر»

در واقع جمله‌ی اصلی چنین بوده است: «خانه‌ای با سنگ‌های مرمر بسازد.» که می‌شد به جای خانه راه خانه‌ای آورد که زیباتر هم می‌شد. هم‌چنین برعکس تکرارهای زیبایی که در این کتاب و در همین شعر از آن نام برده شد، تکرار واژه‌ی «یک» در این شعر خوشایند نیست.

نمونه‌ی دیگر، استفاده از واژه‌ی «آرامی» در این بیت از شعر «شب کوچه» است:

«می‌شود لحظه‌هایش چه آرام

مثل آرامی بچه در خواب»

کاربرد این واژه در این‌جا اگرچه غلط نیست؛ اما زیبا هم نیست. شاعر می‌توانست به جای آن از اسم مصدر «آرامش» استفاده کند.

در شعر نیمایی عروسی (ص ۷) هم شاعر ضمن استفاده از سوژه و موضوعی تکراری (عروسی دو یاکریم تنها در خیال

از ابتدای واژه

تا آخر همین شعر

دنبال عشق بودم

تا شد تمام این شعر»

(ص ۲۹ و ۳۰ - ابتدای فکر)

«از لحظه‌های ترد درد

از لحظه خاکستری»

و

«اشک از دو چشمت می‌چکید

از گونه‌ات دریا گذشت»

(ص ۳۱ و ۳۲ - سفر)

«به روی شیشه خیس زمستان

تورا با دست خالی می‌نویسم»

و

«تورا با خط زیبای شکسته

به روی برگ گل‌ها می‌نویسم»

(ص ۳۳ و ۳۴ - خطاط)

در بیت اخیر تناسب زیبای خط شکسته با برگ گل‌ها هم

قابل توجه است.

این مجموعه مثل هر مجموعه‌ی دیگری نقاط ضعف هم دارد.

مسلماً هیچ اثری کامل نیست. از طرف دیگر با دقت در این کاستی‌ها می‌توان آثار خوبی را در آینده خلق کرد. از جمله نقاط ضعف موجود در این مجموعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ضعف‌های ساختاری:

علی‌رغم زیبایی‌های زبانی که از آن‌ها در این کتاب نام برده شد؛ بعضی از آثار دچار سهل‌انگاری‌هایی در زبان هستند. مثل:

• استفاده از ترکیب‌های ضعیف یا کلیشه‌ای:

«دل نرم شیشه» (از شعر شب کوچه) نه تنها ترکیب

زیبایی نیست، بلکه نمی‌تواند منظور شاعر به خوبی منتقل کند.

چون واژه‌ی نرم وقتی به دل بازمی‌گردد، تداعی‌کننده مهربانی

شاعر) سطری از شعر را این چنین می آورد: «و دور می شوند از سکوت کوچه‌ها و سیم» با وجود «واو» عطف بین کوچه‌ها و سیم، سکوت به هر دوی آن‌ها عطف می شود. ترکیب «سکوت کوچه» - اگرچه هیچ تناسبی با غروب ندارد - چون غروب‌ها کوچه‌ها غالباً ساکت نیستند - قابل پذیرش است. ولی منظور از «سکوت سیم» چیست؟!

در شعر «ماهی‌های شاد» نیز، ضعف دستوری وجود دارد. ضمیر «ش» در «چشمش» که در پایان مصرع اول پاره‌ی دوم آمده، به مادر برمی گردد؛ در حالی که بین «حوض چشم مادر» و «توی حوض چشمش»، دو مصرع که درباره‌ی حوض خانه است، فاصله انداخته و این فاصله، مانع از برگشتن ضمیر «ش» در «چشمش» به مادر می شود:

«حوض چشم مادر
باز هم پُر آب است
حوض خانه بی آب
خالی از مهتاب است
توی حوض چشمش
چند تا ماهی غم
دور خود می چرخند
تک و تنها با هم»

بسیار تازه‌ای هم دارد.
«جزیره سبز و زیبا
ولی تنهای تنهاست
جزیره، چون پرنده
حصارش آب دریاست
جزیره خواب‌هایش
پُر است از موج و پارو
پُر است از آب و قایق
سفر کردن به هر سو
سفر اما برایش
شبه خواب و رؤیاست
نگاهش شعر رفتن
دلش در قعر دریاست
جزیره، دور و تنها
چه بی نام و نشان است
سکوتش مثل فریاد
دلش آتش فشان است!»

پی نوشت:

1- Motif

۲ - پروین سلاجقه. از این باغ شرقی. ص ۱۵۳، کانون پرورش

فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۵

ضعف ارتباط:

گروه سنی این کتاب چنان که از ظاهر کتاب پیداست، گروه «د» و «ها» است. ولی شعرهایی هم در کتاب هست که چندان مناسب گروه سنی «د» نیست و بیشتر متناسب با گروه سنی بالاتر هستند. شعر ابتدای فکر (ص ۲۹) چنین اثری است. چون بیشتر از این که شعر ساده باشد، یک سری کلی گویی است. تصاویر ارائه شده در این شعر بسیار انتزاعی هستند. شعر سفر هم چنین است، ضمن این که در مقایسه با سایر آثار این مجموعه در مضمون و فضا تصویری تکراری و کلیشه‌ای دارد.

شعر «خطاط» هم اگرچه تصاویر زیبایی دارد، اما محور عمودی آن پیوسته نیست. چون در بند اول این شعر، خطاط خود شاعر است. تمام ضمائر در دو بند اول به شاعر بازمی گردد؛ اما در بند سوم (آخر) ناگهان و بی مقدمه این خطاب تغییر کرده و به خداوند و ضمیر دوم شخص تغییر می یابد.

□

در مجموع این کتاب اثری قابل

توجه در میان شعرهای نوجوان

امروزی است. ضعف‌های آن با

توجه به برجستگی‌هایی که در مجموعه دیده

می شود، چندان به نظر نمی آیند.

در انتهای این بحث برای آشناتر شدن ذهن خوانندگان با شعرهای این مجموعه، یکی از آثار خوب این کتاب آورده می شود تا حسن ختامی بر این جستار باشد. «تنهایی» اثر زیبایی است که به جز داشتن تمام وجوهات یک اثر خوب، موضوع

